

سازمان رأی جامعه مدنی



کیومرت اشتریان

در ادامه سلسله نوشتارهایی درباره جامعه مدنی، اینک درباره «معنای رأی» و نقش آن در تشکیل «سازمان رأی» سخن می‌گوییم. گفتیم که مردم در صورتی به پای صندوق می‌آیند که احساس کنند رأی آنان معنایی دارد. اگر صورت و معنای انتخابات به هم بیاید، روح‌نواز جان سیاست می‌شود، شور در مردمان می‌زاید و ثبات مملکت می‌آفریند. این، احزاب سیاسی هستند که این معنا را با تولید محتوای سیاسی، با مشارکت، با معرفی نامزد، با استراتژی‌ها یا با تاکتیک‌های ویژه برمی‌سازند. مشکل اصلی جامعه مدنی در ایران این است که به‌سختی می‌تواند طرفداران خود را به پای صندوق رأی بگشاند و بلکه به‌سختی می‌تواند از درون جامعه شهری، «سازمان رأی» بسازد. به همین دلیل است که همه چیز تصادفی می‌شود و شما همیشه لب‌مرزی هستید. در هفته‌های آخر منتهی به انتخابات نمی‌دانید که آیا جامعه مدنی طرفدار شما به پای صندوق می‌آیند یا نه؟ اشتباه نشود، درباره طرفداران شما و سازمان رأی‌تان سخن می‌گوییم، نه درباره همه مردم. افکارسنجی‌هایی که استانداردهای متعارف علمی را رعایت کنند، با ضرب خطای اندکی می‌توانند مشارکت‌کردن یا مشارکت‌نگردن را در روزهای منتهی به انتخابات تشخیص دهند؛ اما آن‌چنان که گفتم، مسئله اصلی جامعه مدنی طرفدار شماسست که در قالب «سازمان رأی» شکل نگرفته و پیش‌بینی‌ناپذیر است. همه پرسش احزاب سیاسی باید این باشد که چگونه یک سازمان رأی ثابت شکل دهند. چگونه جامعه را متقاعد کنند که آرای پراکنده و باطله و بی‌هویت خود را معنی‌دار کنند.

شماری از افراد در این کشور با همه امکانات نهادی-سیاسی که سال‌ها در اختیار داشته‌اند (که برخی از آنها به گفت ناید) و با دستکاری در مراحل و فرایندهای گوناگون کار را به اینجا رسانده‌اند که نه‌تنها مشارکت به حداقل خود رسیده است؛ بلکه سازمان رأی اصولگرایی را نیز به ابتدال کودکانه‌ای گشاده‌اند و آن را از محتوا خالی کرده‌اند: «هر آن‌کس سَری داشت در انجمن/به سستی بخندید بر رأی من». این پدیده به‌ویژه آزارآور اهمیت دارد که نشان می‌دهد انحراف برخی نهادهای و وظایف سازمانی خویش چقدر مخرب است و اینکه آن نهادهای نمی‌توانند جایگزین سازمان سیاست شوند. در سیاست، جهانداری روا نیست بر آن‌کس که جهان‌دیده نیست، ساده‌لوحی است که خیال کنید می‌توانید با استفاده از ظرفیت نهادی خود جایگزین احزاب سیاسی شوید. هریک از این دو، کارکردهای خاص خود را دارند. در جاده آسفالت نمی‌توانید قایق برانید. ماشین نهادی شما برای کار ویژه‌ای ساخته شده است. اگر آن را برای «ان کار دیگر» استفاده کنید، در نظام اجتماعی اختلال ایجاد کرده‌اید و منابع زیادی را به هدر می‌دهید و آخر کار هم نیروهای اصل از پیرامون‌تان پراکنده می‌شوند و جز مثنی رانت‌خوار و فرصت‌طلب یا شماری ساده‌دل و کُندذهن برای‌تان باقی نمی‌ماند؛ کُندذهن نتواند کُنده اندیشه برکُند.

اینک که «دستکاری‌های نهادی» در انتخابات ناکارآمدی خود را نشان داده و پیامدهای مخرب آن آشکار شده است، احزاب سیاسی باید بتوانند «معنای رأی» را در یک فرایند تاریخی احیا کنند و از آن «سازمان رأی» بسازند. احزاب جدي مدنی باید بسیار پیش از زمان انتخابات ستاریوها مختلف را که ممکن است پیش‌روی مردم باشد، نشان کنند و سازمان رأی را بر آن اساس سامان دهند. سازمان رأی بیش و پیش از هر چیز در گرو معنای رأی است. این معنا را احزاب سیاسی باید به‌تدریج و با طرافت و با گفت‌وگو بسازند و مثلا دامنه‌ای پنج‌گانه از مشارکت فعال، مشارکت نسبی، مشارکت تک رأی، رأی باطله تا مشارکت‌نگردن را در آن پیش‌بینی کنند. «وِترینسی» از این پنج گزینه را برای مردم فراهم کنند و به هریک از این پنج گزینه معنابخشی کنند تا خودآگاهی اجتماعی را برای آن فراهم کنند. چرا جامعه در سال‌های ۹۲ و ۹۶ پشت سر روحانی آمد؟ چون به صورت طبیعی بخش مهمی از مردم و نیروهای سیاسی به یک معنای سیاسی برای رأی رسیده بودند. چون خودآگاهی لازم درباره سیاست خارجی و ضرورت رفع تحریم‌ها را کسب کرده بودند.

۹۲

ایده‌در صفحه ۵

<div>یکشنبه ۲۷ اسفند ۱۴۰۲</div>
۶ رمضان ۱۴۴۵
۱۷ مارس ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۷۹۸
۱۵ هزار تومان
۱۲ صفحه

۹۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: طحان نظیف سخنگوی شورای نگهبان؛ انتخابات الکترونیکی در مرحله دوم نیز برگزار می‌شود • آخرین رأی وحدت رویه سال ۱۴۰۲؛ ضربه‌ای دیگر بر بیکر نیمه‌جان اعتبار اسناد رسمی

کارزاری برای اینکه چینی‌ها به جای ورود به ساخت‌وساز مسکن و استادیوم ورزشی در ایران، نیروگاه خورشیدی بسازند

بیراهه تهاتر نفت

نگاهی به چرایی و چگونگی بحران صندوق‌های بازنشستگی در گفت‌وگو با هادی کحال‌زاده

آینده در واهمه سیل سالمندان و بازنشستگان

۶



عکس مجتبی محمدی، ایران

گنج‌نامه ودومتر طلق



محمدباقایی (ماکان)

نمی‌پوشانید که هر فکتر همدانی هم هزینه آن را با طیب خاطر خواهد پرداخت. پاسخ‌ها همه طابق النعل بالنعل بود، گویی که همه از جایی واحد دریافت کرده‌اند که بی‌کم‌وکاست جمله‌ای را تکرار می‌کنند و آن اینکه «دوهزار و ۵۰۰ سال است که مانده، باز هم خواهد ماند»، ولی وقتی در پاسخ می‌شنیدند که برخی از کلماتش در دهه‌های اخیر تحت تأثیر ابر و باد و مه و خورشید و فلک مخدوش شده‌اند و این خدش‌ها ادامه خواهد یافت، پاسخ به «ان‌شاءالله» می‌انجامید، ولی ذات باری قطعا در این آسیب‌دیدگی‌ها که با دو متر طلق قابل جبران بود به‌هیچ‌وجه نقشی نداشته است، نقش اصلی را کسانی دارند که فقط مدیر امور فرهنگی هستند نه آنکه دود چراغ معرفت را خورده باشند و دل در گرو ارزش‌ها و میراث فرهنگی داشته باشند، اگر می‌داشتند، دارالفنون تنها یادگار امیر

به صورتی درنمی‌آمد که سگ ولگرد هم با اکراه در آن بی‌توته می‌کند، اگر می‌داشتند به تجزیه و تحلیل این دو کتیبه می‌پرداختند تا مفاهیمی ظریف را از آن دریابند که برای نخستین‌بار در ادب پارسی آرایه تشخیص فخر می‌فروخت، چندان که پس از فتح یونان برای نشان‌دادن قدرت‌ش به انسان تجسم بخشیده شده تا آدمیان ارزش آن را نیک دریابند، زیرا پایه‌ریز خلاقیت، ابتکار، نوجویی و امید است که موهبتی است از سوی خدایی که با خلق زیبایی‌های بی‌شمار ارضی و سماوی طالب زندگی بانشاط برای انسان است. اگر آن را که باید، می‌دانستند درمی‌یافتند که خیارشا فرزند داریوش بزرگ به رغم آنکه پادشاهی مغبور بود و به عالم و آدم فخر می‌فروخت، چندان که پس از فتح یونان برای نشان‌دادن قدرت‌ش به صورتی نامدین تازیانه‌های مکرر بر دریای اژه فرود آورد، وقتی تصمیم می‌گیرد که سنگ‌نوشته‌ای از خود در گنج‌نامه باقی بگذارد، آن را به رغم فضای کافی هم‌تراز سنگ‌نوشته پدر جای نمی‌دهد، بلکه به صورتی محسوس پایین‌تر قرار می‌دهد. چنین رویکردی بیانگر ادب ایرانی است که همچنان در جریان زمان تداوم می‌یابد به طوری که شاهد بارز آن را در وصیت ابوالحسن خرقانی می‌بینیم که به گفته عطار در «تذکره‌الاولیا» به شاگردانش سفارش کرد تا جسدش را پس از مرگ سز گز پایین‌تر از کالبد بایزند بسطامی قرار دهند تا نشانه حرمتی باشد که برای شیخ بسطام قائل است.

۹۲

ایده‌در صفحه ۵

راه دشوار صنعت نفت از ملی‌شدن تا مردمی‌شدن



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

به بیان دقیق‌تر، رژیم سابق هرچند به دلیل بیداری مردم نتوانست کلا برنامه ملی‌کردن صنعت نفت را کنار بگذارد و ناگزیر از استفاده از عنوان «نفت ملی ایران» بود؛ اما به شکل غیرمستقیم توانست مانع از اعمال حق حاکمیت ملی بر ثروت نفتی کشور از طرف مردم که صاحبان واقعی دارایی بودند، شود. نقطه آغازین اعمال این حق دسترسی به اطلاعات درست درباره میزان برداشت از این ثروت و چگونگی فروش آن و میزان درآمد اکتسابی بود که البته حکومت وقت چنین اطلاعاتی را از شهروندان مخفی می‌کرد. و اینک بیش از هفت دهه از دوران طرح شعار ملی‌شدن نفت می‌گذرد. و البته کسی منکر ملی‌بودن این ثروت نیست؛ اما گویا تعریف درست و مورد توافق عام از ملی‌بودن در دست نیست. با قدری مسامحه می‌توان گفت فرایند ملی‌شدن با مردمی‌شدن بسیار متفاوت است. اگر یک دارایی متعلق به مردم به‌عنوان سهامداران یک جامعه است، آنان حق دارند در باب شیوه مدیریت این دارایی، میزان بهره‌برداری از آن، نحوه فروش و کسب درآمد و... اطلاعات مکفی داشته باشند. آنان باید درباره تخصیص این درآمد به هزینه‌های جاری و سرمایه‌ای نظر بدهند. آنان باید اثر این درآمد‌ها را در شرایط زندگی و وضعیت

کمک دو میلیارد تومانی رهبر انقلاب برای آزادی زندانیان نیازمند

۲

برگزیده‌ها

واکنش وزارت صمت و

وزارت جهاد به گزارش «شرق»

۲

شی جین پینگ و تغییراتی مشابه تصفیه مرکبار حکومت مانو در چین

انقلاب فرهنگی دوم در راه است؟

۵

بررسی تحرکات سیاست خارجی جمهوری آذربایجان بین تهران و تل‌آویو

تهدیدها و فرصت‌های یک رفاقت دیپلماتیک

۲

چه خوب روبان می‌برید آقای وزیر

۹

گزارشی از آیین بزرگداشت روز حکیم نظامی گنجوی در ارومیه

سیاسی‌سازی نظامی

۱۱

۲۹ اسفند؛ پایان سال یا آغاز کار؟

ابراهیم ایوبی (۱۲)

یادداشت

دگرگونی سیاست‌های خاورمیانه‌ای



محموداشرفی

اگر از زاویه ژئواستراتژیک به معادلات منطقه‌ای بنگریم، با دو عنصر موازنه قوا و ثبات روبه‌رو خواهیم بود. ثبات در امتداد برقراری موازنه قوا بوده و متأثر از آن است. در این فراگرد، موازنه قوا تنها دربرگیرنده سخت‌افزارهای نظامی نیست و عوامل، قابلیت‌ها و توان انسانی هم در آن مؤثر هستند. پدیده خلا قدرت ریشه در چنین واقعیتی دارد. واقعیتی که قدرت‌های بزرگ همواره از آن هراسان هستند. فرجام بسیاری از دخالت‌های ایالات متحده آمریکا در مناقشات منطقه‌ای، بروز خلا قدرت بوده است. این تجربه ناخوشایند آمریکا را نسبت به دخالت‌های مستقیم در کشمکش‌های منطقه‌ای محافظه‌کار و خوشتن‌دار کرده است. آمریکا اکنون دخالت مستقیم در مناقشات خاورمیانه را در راستای منافع ملی خود ندانسته و در جریانات اخیر غزه، جانی‌داری محتاطانه‌ای از اسرائیل دارد. همچنین برای آمریکا این امکان وجود ندارد که به جای دخالت نظامی شیوه‌های دیپلماتیک و اثرگذاری در مناسبات سیاسی را به کار گیرد. از سوی دیگر، روسیه در تنگنای جنگ اوکراین گرفتار است. چین از درگیری در مناقشات دوری کرده و دیپلماتسی سلیه آن دعوت به آرامش است. اکنون خاورمیانه با دگرگونی سیاست‌های منطقه‌ای قدرت‌های بزرگ روبه‌رو است. آمریکا نگرانی ژرفی از استراتژی نظامی برتری‌جویانه چین در حوزه پاسیفیک دارد. استراتژیست‌های آمریکایی در این اندیشه‌اند که شاید در آینده اقیانوس آرام، آرامش کنونی خود را نداشته باشند. این انگاره‌های سیاسی، دگرگونی سیاست خاورمیانه‌ای این کشور و دوری از دخالت گسترده را به دنبال داشته است. کشورهای اروپا تحرکات نظامی روسیه را رویارویی با منافع ملی و قاره‌ای خود می‌پندارند. اکنون روسیه به جای توجه به خاورمیانه بر گسترش ناتو تا مرزهای خود چشم دوخته است.

۹۲

ایده‌در صفحه ۵